

اعتدال اجتماعی و آثار آن از منظر اسلام

فتانه حیدری^۱

چکیده

در این نوشتار میانه‌روی در اجتماع، در قرآن کریم و سیره اهل بیت (علیهم السلام) برای ارائه معیار و الگوی مناسب در سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار داده شده است. با توجه به این که از دین اسلام و مسلمانان به عنوان دین اعتدال و امت میانه یاد شده است، ضرورت این تحقیق در ارائه معیاری، برای نیفتادن در دام افراط و تفریط و آسیب‌های اخلاقی است. در این راستا، با ارائه تحلیلی بر معنای سبک زندگی و تعیین دامنه معنای میانه‌روی، شاخصه‌های میانه‌روی در سخن و سیره معصوم (علیهم السلام) در اجتماع و روابط بین افراد را بررسی کرده، سپس راهکارهای اجرایی، مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله با روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده و در ذیل آن از منابع مکتوب و نرم‌افزارها و سایت‌های معتبر اینترنتی مانند سایت فقهات استفاده شده و با روش توصیفی انجام پذیرفته است. با بررسی این موضوع مشخص می‌شود که اعتدال نه تنها در امور فردی جای دارد بلکه در امور اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و از اثرات سودمندی همراه است که رعایت آن، موجب شکوفایی و رشد جامعه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: اعتدال، میانه‌روی، اسلام.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر قزوین.

مقدمه

اعتدال و میانه‌روی در لغت به معنای حدّ متوسط بین دو وضعیت دیگر است و به طور کلی هرگونه تناسبی است که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف است. از این‌رو نقطه مقابل اعتدال، افراط و تفریط نامیده می‌شود که مفهوم جامع هر دو طرف به معنای خروج از حالت اعتدال است، بنابراین در مفهوم «اعتدال» و «صلاح» با یکدیگر رابطه جانشینی و هر دو با مفهوم «فساد» رابطه تقابل دارند. همچنین است با توجه به این که اعتدال به معنای میانه‌روی است، اسراف نقطه مقابل آن به شمار می‌رود. اعتدال در فرهنگ اسلامی در معنای اصطلاحی گوناگونی به کار رفته است که همه آنها با معنای لغوی تقارب دارد. واژه اعتدال در قرآن کریم نیامده است، ولی این مفهوم را می‌توان از واژگان «قوام»، «وسط»، «مقصد»، «سواء» و «حنیف» استفاده کرده که همه این واژگان با اندکی اختلاف به وضعیت میانه و حدّ وسط اشاره دارد. از سوی دیگر واژگان «اسراف»، «اتراف»، «تبذیر»، «علو»، «اعتداء»، «فرط»، «تفریط» و «قتر» که در دو سوی وضعیت میانه قرار دارد در ارتباط وثیق موضوع است. در احادیث اسلامی نیز موضوع اعتدال بیشتر در قالب کلید واژه «قصد» مورد تأکید و سفارش ویژه قرار گرفته و با معادل قرار دادن آن با مفهوم حق، هر گونه خروج از راه اعتدال نوعی ستم شمرده شده است. در زبان عربی از میانه‌روی به عنوان «اعتدال» یاد شده و به معنای حدّ وسط در کمیت و یا کیفیت است. همچنین این واژه به معنای استقامت و پایداری نیز آمده است. میانه‌گرایی یا وسطیت، اسم برای ما بین دو چیز است و در کمیت متصل الاجزا به کار می‌رود. میانه‌روی و میانه‌گرایی همان وسطیت و اعتدال در مفهوم قرآنی آن است که عبارت از دوری نمودن از هرگونه افراط و تفریط در قول و فعل و اندیشه است. در اصطلاح منظور از اعتدال و میانه‌روی، ثبات و پایداری بر فضیلت و استقامت در سلوک و رفتار شایسته از منظر عقل و شرع و برگرداندن آن‌ها (امیال مختلف انسان) از افراط و تفریط به حدّ وسط و اعتدال است. به عبارت دیگر، منظور آن است که هر گاه دست‌یابی به امری شرعاً و عقلاً نیکو و شایسته باشد آن امر حاصل شود و زمانی که عدمش نیکو و احسن است آن امر بروز کند. اهمیت اعتدال و میانه‌روی این‌جاست که وقتی انسان نگاهی به نظام عالم هستی می‌اندازد، این نظام را می‌بیند که بر اساس هندسه‌ای دقیق پی‌ریزی گشته است. انسان این محاسبه دقیق را می‌بیند که بر اساس میانه‌روی بنا شده و در زندگی فردی و اجتماعی خود آثار سودمند اعتدال را به خوبی مشاهده می‌کند. با

توجه به این که متأسفانه بیشتر افراد و بسیاری از جوامع، در حیات خود فاقد این اصل بوده و هستند از این رو یا به دامان افراط افتاده و یا در تفریط غلتیده‌اند و از مسیر صحیح کمال و هدایت خارج شده‌اند، ریشه بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی را می‌توان در عدم رعایت اصل اعتدال جست. حال سوال این‌جاست که اعتدال اجتماعی و آثار آن در قرآن کریم و روایات چگونه بیان شده است؟

اعتدال و میانه‌روی در لغت

به معنای حدّ وسط در کمیت و یا کیفیت^۱ و حدّ و توسط بین دو وضعیت دیگر است.^۲ به طور کلی هر گونه تناسبی است که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف است.^۳ از این رو نقطه مقابل اعتدال، افراط و تفریط نامیده می‌شود^۴ که مفهوم جامع هر دو طرف به معنای خروج از حالت اعتدال است، بنابراین دو مفهوم «اعتدال» و «صلاح» با یکدیگر رابطه جانشینی و هر دو با مفهوم «فساد» رابطه تقابل دارند.^۵ همچنین با توجه به اینکه اعتدال به معنای میانه‌روی است «اسراف» نقطه مقابل آن به شمار می‌رود.^۶

در اصطلاح هرگونه تناسبی که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف باشد، «اعتدال» نام دارد.^۷

اسراف در لغت

«اسراف» نقیض اقتصاد^۸، تجاوز کردن از قصد و میانه‌روی «اسراف از ریشه سرف به معنای

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۳.

۲. همان، ج ۹، ص ۸۵؛ فیروز آبادی شیرازی، قاموس المحيط ج ۴، ص ۲۰.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۵۳.

۴. مصطفوی، التحقيق، ج ۹، ص ۶۱۶۲.

۵. مناوی القاهری، التوقیف علی مهمات التعاریف، ج ۱، ص ۵۵۶؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۳۶.

۶. جرجانی، التعریفات، ص ۳۸.

۷. همان.

۸. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۴۸.

در هر کاری است که انسان انجام بدهد و نیز خوردن آنچه که حلال باشد»^۱ و از حد گذشتن^۲ و انفاق در غیر طاعت خدا را گویند.^۳

اعتدال از مهم‌ترین اصول اسلام برای زندگی بهتر به شمار می‌آید. خداوند این اصل را سبب تفاوت مسلمانان با دیگران و مایه برتری آن‌ها می‌داند.^۴

اسراف در اصطلاح

واژه اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال و تجاوز از حد، در هر عملی است که انسان انجام می‌دهد؛ هر چند که به گفتهٔ راغب غالباً در مورد پول خرج کردن استعمال می‌شود.^۵ کلمه اسراف واژه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیت، کیفیت، بیهوده‌گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود.^۶

اعتدال اجتماعی در آیات قرآن کریم

اعتدال در سوره بقره آیه ۱۴۳

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا: و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم هر

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۴۴.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۰۷.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۹.

۴. کریمیان، اعتدال، ص ۱۷.

۵. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۶.

۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۹.

چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است.^۱

کلمه (کذلک همچنین) در تشبیه چیزی به چیزی به کار می‌رود، و ظاهراً در آیه شریفه می‌خواهد بفرماید: همانطور که بزودی قبله را برایتان برمی‌گردانیم، تا به سوی صراط مستقیم هدایتتان کنیم، همچنین شما را امتی وسط قرار دادیم. «امت وسط» یعنی چه؟ و گواهان بر مردم یعنی چه؟ باید دانست که کلمه (وسط) به معنای چیزی است که میانه دو طرف قرار گرفته باشد، نه جزو آن طرف باشد، نه جزو این طرف، و امت اسلام نسبت به مردم یعنی اهل کتاب و مشرکین همین وضع را دارند، برای اینکه یک دسته از مردم تنها و تنها جانب مادیت را گرفته، جز زندگی دنیا و تکمیل مادیات خود، و به کمال رساندن لذتها، و زخارف و زینت دنیا چیز دیگری نمی‌خواهند بعضی دیگر از مردم، تنها جانب روح را تقویت نموده، جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی‌کنند، آنها تنها دعوتشان این است که بشر، کمالات جسمی و مادی را که خدا در ظواهر مادی این دنیا قرار داده، ترک بگویند، تا این ترک گفتن وسیله کاملی شود برای رسیدن به آن هدفی که خدا انسان را به خاطر آن آفریده است. ولی نفهمیدند که ندانسته رسیدن به آن هدف را با ابطال و درهم کوفتن راهش ابطال کرده‌اند. و اما امت اسلام، خدا آن را امتی وسط قرار داد، یعنی برای آنان دینی قرار داد، که متدینین به آن دین را به سوی راه وسط و میانه هدایت می‌کند، راهی که نه افراط آن طرف را دارد، و نه تفریط این طرف را، بلکه راهی که هر دو طرف را تقویت می‌کند، هم جانب جسم را، و هم جانب روح را، البته به طوری که در تقویت جسم از جانب روح عقب نمانند، و روح از جانب جسم عقب نمانند، بلکه میانه هر دو فضیلت جمع کرده است. چون انسان دارای دو جنبه است، یکی جسم، و یکی روح، نه جسم تنها است، و نه روح تنها، و در نتیجه اگر بخواهد به سعادت زندگی برسد، به هر دو کمال و هر دو سعادت نیازمند است، هم مادی و هم معنوی. مراد از «شهداء علی الناس»: و چون این امت وسط و عدل است، لذا هر دو طرف افراط و تفریط باید با آن سنجش شود، پس به همین دلیل شهید بر سایر مردم هم که در دو طرف قرار دارند هست، و چون رسول اسلام (صلی الله علیه و آله) مثل اعلای این امت است، لذا او شهید بر امت است، و افراد امت باید خود را با

۱. بقره، ۱۴۳.

الف

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«استنوا تستو قلوبکم: معتدل باشید تا دل های شما به هم نزدیک شود.»^۱

رشد و بالندگی

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«خدای تعالی هر گاه ماندگاری و رشد امتی را بخواهد، اعتدال و پاک دامنی را روزیشان می کند.»^۲

بارور شدن کردار نیک

به ثمر رسیدن عمل و استحقاق پاداش و ستایش، رهاورد دیگر میانه روی است.^۳

امیر مؤمنان (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«اسراف و زیاده روی را ترک کن زیرا بخشش انسان مسرف هرگز ستوده نمی شود و فقرش (که به سبب این زیاده روی پدید می آید) با ترحم روبه رو نمی گردد.»^۴

و نیز فرموده اند:

«این کار (تبذیر) ممکن است در دنیا باعث سربلندی انجام دهنده آن شود ولی در آخرت موجب سرافکندگی وی می گردد، و (احیاناً) در میان مردم (دنیاپرست) گرامیش می نماید ولی در نزد خداوند خوارش می سازد. هیچ کس مال خویش را در غیر راهی که خداوند فرموده مصرف نکرد و به غیر اهلش نسپرد، جز این که خداوند او را از سپاسگذاری آنان محروم ساخت و محبتشان را متوجه دیگری نمود، پس اگر روزی پایش بلغزد و به کمک آنان نیازمند گردد، بدترین رفیق و ملامت کننده ترین دوست خواهند بود.»^۵

۳. سیوطی، در المنثور، ج ۳، ص ۲۷۰.

۴. کریمیان، اعتدال، ص ۳۹.

۵. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۶، باب ۲۱، حدیث ۱۸۲۰۳ - ۵.

۱. فیض اسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

اجابت دعا

خروج از جاده ی میانه‌روی سبب دوری از خداوند و عدم اجابت دعاها می‌شود.^۱

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

«دعای چند گروه از امت من اجابت نمی‌شود.... و دیگر آن مردی که خداوند به وی مال بسیار دهد، او همه را انفاق کرده، به خدا روی آورد و در طلب روزی بگوید: خدای من، مرا روزی عطا کن. خداوند (عزوجل) گوید: آیا به تو روزی وسیع عطا نکردیم؟ چرا آن گونه که گفته بودم در آن اعتدال نورزیدی و در حالی که من تو را از اسراف نهی کرده بودم اسراف کردی؟»^۲

از جمله عدم اجابت دعاها، گناهان است و در نگاه امام، گناه چیزی جز افراط و تفریط در شئون انسانیت نیست.^۳

نتیجه

به طور کلی، اعتدال و رعایت حدّ وسط، خصوصیت تربیتی امت اسلام به شما رفته است. دین اسلام در همه امور به اعتدال و میانه‌روی سفارش می‌کند و در هر کاری و هر خصلتی افراط و تفریط را امری ناپسند می‌شمارد. داشتن روحیه‌ای معتدل و میانه‌روی در امور قابل قبول است و حتی در مسائل اجتماعی و سیاسی هم تندروری و کندروی، بازتاب‌های منفی به همراه دارد و گاهی مشکل ساز می‌شود. انسان میانه‌رو و معتدل در زندگی فردی و اجتماعی خود آثار سودمند اعتدال را به خوبی مشاهده می‌کند. قرآن کریم همگان را به اعتدال دعوت کرده است و در تعالیم بزرگان دین یکی از صفتهای مؤمن میانه‌روی است. هنگامی که اعتدال و میانه‌روی در نفس کسی شکل بگیرد و در شاکله وجودی انسان نهادینه شود در همه امور زندگی این رویه را حفظ خواهد کرد و به افراط و تفریط دچار نمی‌گردد. اصل اعتدال در جامعه نه تنها فرصت‌های برابر را به وجود می‌آورد بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می‌برد. اما رسیدن به این مهم نیازمند تلاش و برنامه ریزی و مدیریت صحیح می‌باشد. از جمله راهکارهایی که در این باره می‌توان به کار برد:

۲. کریمیان، اعتدال، ص ۴۱.

۳. محمود و محمدرضا حکیمی، الحیاء، ج ۴، ص ۲۲۹.

۴. کریمیان، اعتدال، ص ۴۱.

داشتن مدیریت قوی، گنجاندن اصلاح الگوی مصرف در نظام آموزشی کشور و نظارت همگانی است. علاوه بر این، از مهم‌ترین راه‌های برقراری میانه‌روی، توجه دادن مردم به قناعت است. همچنین توجه دادن مردم به زیانهای اقتصادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی و کیفرهای اخروی میانه‌روی، توجه دادن مردم به انتخاب الگوهای همیشه زنده و درخشنده اسلام (اهل بیت(علیهم السلام)، انتخاب افراد متدین و دلسوز به نظام در رأس امور مالی کشور و نهادهای دولتی که به هر درخواستی تن ندهد، تقویت سازمان بازرسی کشور و نظارت و بازرسی دقیق بر عملکرد بانک‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌ها و استفاده و بهره‌گیری از برنامه‌های سازمان صدا و سیما می‌تواند جزء راهکارهای عملی با تاثیر بسیار در جامعه باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، بی جا، انتشارات پیام عدالت، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
- نهج البلاغه، ترجمه: اصفهانی، علی نقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۹.
- ۱. نعمت الله حسینی، عدل و اعتدال پرهیز از اسراف در اعمال، قم، انتشارات عصر انقلاب، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸.
- ۲. حکیمی، محمود و محمدرضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۳. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ه.ق.
- ۴. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بی جا، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۵. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، انتشارات دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بی جا، انتشارات آستان قدس رضوی، بی تا.

۷. طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، بی جا، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.

۸. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، انتشارات الاحیاء التراث العربی، بی تا.

۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **محجۃ البیضاء**، قم، انتشارات موسسه نشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ه ق.

۱۰. فیروز آبادی شیرازی، مجد الدین محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا.

۱۱. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه ق.

۱۲. الافریقی المصری، محمد ابن مکرم بن احمد انصاری ابن منظور، **لسان العرب**، بیروت، انتشارات دار صادر، بی تا.

۱۳. قمی، عباس، **سفینه البحار**، تهران، دار النشر للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ه ق.

۱۴. شبستری، محمود، **گلشن راز**، به اهتمام صابر کرمانی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۶۱.

۱۵. کریمیان، علی، **اعتدال**، بی جا، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۷۴.

۱۷. مصطفوی، حسن، **التحقیق**، تهران، انتشارات علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۸. مجلسی، باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه
ق.
۱۹. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جلال الدین مجتبوی، بی جا، انتشارات حکمت، ۱۴۰۵ ه ق.
۲۰. جرجانی، شریف، التعریفات، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
۲۱. مناوی القاهری، عبدالرئوف، التوقیف علی مهمات التعاریف، بی جا، انتشارات عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بی جا، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۴. تمیمی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دار الحدیث، چاپ ششم، بی تا.
۲۵. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، بی تا.
۲۶. دیلمی، شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فنا خسرو، فردوس الاخبار، فردوس الاخبار، ریاض، ۱۹۴۴ م.